

مطالبه‌گری هوشمندانه رسانه‌ها، لازمه حل مسائل مردم است

رئیس هیئت اندیشه‌ورز سازمان بسیج رسانه استان البرز با تأکید بر ضرورت مطالبه‌گری مسئولان اصحاب رسانه، گفت: رسانه‌ها باید با تکیه بر فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی، نقش مؤثر و جریان‌ساز خود را در پیگیری مطالبات مردم و مطالبه‌گری از مسئولان ایفا کنند

به گزارش پیام آشنا، سعید صادقی با اشاره به جایگاه راهبردی رسانه‌ها در جامعه اظهار کرد: رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها بر اهمیت نقش رسانه‌ها در آگاهی‌بخشی، امیدآفرینی و

مطالبه‌گری هوشمندانه تأکید کرده‌اند و بر همین اساس، هیئت اندیشه‌ورز سازمان بسیج رسانه استان البرز با هدف تحقق این رهنمودها فعالیت خود را با رویکردی مسئله‌محور و نتایج‌گرا دنبال می‌کند. وی با بیان اینکه مطالبه‌گری صحیح مسیر اصلاح امور و بهبود عملکرد دستگاه‌ها را هموار می‌کند، افزود: اصحاب رسانه باید صدای گویای مردم باشند و با شناسایی دقیق مسائل و مشکلات در حوزه‌های مختلف از جمله معیشت، اشتغال، مسکن، فرهنگ، آموزش و خدمات شهری، مطالبات عمومی را به‌صورت منصفانه،

مستند و حرفه‌ای از مسئولان پیگیری کنند. رئیس هیئت اندیشه‌ورز سازمان بسیج رسانه استان البرز با اشاره به برنامه‌ریزی برای برگزاری سلسله جلسات تخصصی گفت: در همین راستا، جلسات هیئت اندیشه‌ورز با حضور نتایج‌گران، فعالان و صاحب‌نظران رسانه‌ای استان به‌صورت منظم در بسیج رسانه برگزار خواهد شد تا ضمن بررسی مسائل اولویت‌دار استان، راهکارهای عملی و رسانه‌ای برای پیگیری مطالبات مردم ارائه شود. مزایای صریح کرد این جلسات را رویکرد هم‌افزایی فکری، تولید ایده و ارائه تحلیل‌های

معرفی کتاب

بحران آسایش: چرا زندگی بدون سختی، ما را از درون تهی می‌کند

توسنده مایکل ایستر
مترجم: کیمیا قاضیانی
تشریح: میلکان



پیام آشنا: آیا تستستن در رأس هرم مزایا و برخورداری از رفاه کامل و آسودگی ما را فرسو می‌کند؟ مایکل ایستر این پرسش را در کتاب بحران آسایش با جرات تمام مطرح کرده و پاسخ او بر خلاف انتظار، «جمله» است. او توضیح می‌دهد که وقتی همه چیز بی‌تنی از حد آسان می‌شود، از فنا و دما گرفته تا حمل‌ونقل و حتی سرگرمی، بدن و ذهن ما وارد حالتی از رکود می‌شود. نتیجه، نوعی تهی شدن درونی است؛ احساسی از بی‌معتابگی، بی‌هدفی و بویچی که ریشه‌اش نه در سختی زیاد، بلکه در فقدان سختی است.

درباره کتاب: بحران آسایش

چرا زندگی بدون سختی، ما را از درون تهی می‌کند؟ در نگاه مایکل ایستر (Michael Easter)، آسایش بی‌وقفه ما را در یک وضعیت ایستا قرار می‌دهد؛ جایی که بدن ضعیف می‌شود، ذهن شکسته می‌شود و زندگی از حس پیشرفت تهی می‌گردد. اما این بحث وقتی به جوامع جهان سوم می‌رسد، پیچیده‌تر می‌شود. بسیاری از مردم کشورهای جهان سومی، هنوز درگیر تباذهای اولیه هستند و از رفاه کامل فاصله دارند. با این حال، نکته‌ی ظریف کتاب بحران آسایش (The Comfort Crisis: Embrace Discomfort To Reclaim Your Wild, Happy, Healthy Self)، همچنان قابل استفاده است.

ما را می‌گوید برای رسیدن به لایه‌های بالاتر هرم، یعنی معنای و خلایق و خودشنوایی، انسان تیار دارد با چالش روبرو شود. اما به یولو مایکل ایستر، چالش باید انتخابی، هدفمند و کنترل‌پذیر باشد. سختی‌های تاخوسته‌ی زندگی روزمره معمولاً فرساینده هستند، نه رشددهنده. از نگاه این نویسنده، پرورش تیپورک تایمز، آنچه ما را فرسو می‌کند، نه سختی است و نه رفاه، بلکه فقدان تعادل است.

اگر همه چیز بیش از حد آسان باشد، ذهن و بدن پرمزده می‌شود. اگر همه چیز بیش از حد سخت باشد، امید و انرژی تحلیل می‌رود. انسان زمانی شکوفایی می‌یابد که در مرز میان آسایش و چالش حرکت کند؛ یعنی نه در رفاه مطلق غرق شود و نه زیر بار فشارهای تاخوسته‌ی کم‌رخم‌کننده سختی‌هایی که آگاهانه انتخاب نمی‌کنیم. با ما انسان‌هایی قوی‌تر و زنده‌تر می‌سازد.

گریز از آسایش: بازگشت به خود واقعی

بخش مهمی از کتاب بحران آسایش به مفهوم مسوگی اختصاص دارد. سنتی ژاپنی که بر پاسکاری جسم و روح از طریق مواجهه با چالش‌های بزرگ تأکید می‌کند. مایکل ایستر پیشنهاد می‌کند که انسان برای یافتن توانمندی‌های خود باید آگاهانه و در محیط‌های دشوار شود و کارهایی را انجام دهد که احتمال شکست در آن‌ها حدود ۵۰ درصد باشد. این مواجهه با تامل‌ایمات انتخابی، فرد را از محدودیت‌های ذهنی و جسمی عبور داده و به سطح عمیق‌تری از تمرکز، اعتماد به نفس و تعاطف‌پذیری می‌رساند.

یکی از این تمرینات، حمل بار سنگین در مسافت‌های طولانی است؛ مهارتی که به یولو نویسنده در ریشه‌های تکاملی ما قرار دارد و امروزه با نام ورزش «راکتینگ» شناخته می‌شود. این فعالیت به یولو مایکل ایستر، نه تنها برای سلامت بدنی، بلکه برای تقویت قلب، بهبود عملکرد مغز و بازسازی حس توانمندی ضروری است. مایکل ایستر در ادامه‌ی کتاب بحران آسایش، به بی‌حوصلگی ناشی از اعتیاد به فناوری می‌پردازد.

زیستن آگاهانه: بازگشت به طبیعت و پذیرش مرگ

مایکل ایستر در بخش پایانی کتاب بحران آسایش، بر بازگشت به طبیعت و مواجهه با مرگ به‌عنوان دو ابزار قدرتمند برای رسیدن به شادی پایدار تأکید می‌کند. او با بررسی فرهنگ بوتان، نشان می‌دهد که آندیشیدن به مرگ، برخلاف تصور رایج، نتایج‌تاز است. زیستن، بی‌لگه با هستی می‌شود. فرد از فشارهای کاذب اجتماعی، رقابت‌های بی‌پایان و آرزوهای مصرف‌گرا ایفا فاصله بگیرد و با قراردادی بیشتری زندگی کند. او سپس این ایده را به تجربه‌های شخصی خودش پیوند می‌زند؛ جایی که در سفری سه‌روزه‌اش به‌اصطلاح لاس‌کامپانی واقع‌ی بازگشت به طبیعت را لمس می‌کند. به‌یولو مایکل ایستر، مواجهه با مرگ در دل طبیعت، نوعی بازتنظیم ذهنی ایجاد می‌کند؛ ارزش‌ها سادتر می‌شوند، خواسته‌ها واقعی‌تر می‌شوند و به چیزی درونی و پایدار تبدیل می‌شود. در نهایت، پیام کتاب بحران آسایش روشن است: انسان باید برای شکوفایی نه تنها آسودگی مطلق، بلکه به تعادلی میان راحتی و چالش تیار دارد. بازگشت به طبیعت و آندیشیدن به مرگ، دو راه‌یابی برای تعادل هستند. راهمایی که ما از آن می‌آهوی بی‌پایان دنیای مدرن بیرون می‌کنند و دوباره به زندگی اصیل و آگاهانه نزدیک می‌کنند.

نگاهی به برخی فیلم‌های جشنواره فیلم فجر ۴۴

جنگ بیرون قاب

گریز از او نیز از مخاطب پنهان می‌شود. مأمور امنیتی با چند سوال ساده به نتیجه دلخواه و قایل حدسش می‌رسد. نماه‌های بی دلیل داخل آسانسور برای تردید او یولو‌پذیر نیست. فیلمساز سعی دارد با نمایان این تردیدهای سطحی و کوتاه، به فضای معملی نزدیک شود. مراحل رسیدن به موضوع پرونده را پیچیده و نامعلوم جلوه داده و رسیدن به حقیقت را دشوار بنمایاند. اما در اجرا نه تنها این اتفاق نمی‌افتد، بلکه همه چیز بسیار ساده انگارانه و بی دردمس پیش می‌رود و علی‌رغم تردید و شک‌های پیمان به عنوان مأمور امنیتی، ماجرا به راحتی برای مخاطب روشن و بی‌پایان است.

رویا سلیمی - فیلم "گمار باز" به کارگردانی محسن بهاری در دومین روز از جشنواره فیلم فجر به نمایش در آمد. با توجه به اتفاقات و جنگ ۱۲ روزه، توجه بسیاری از سینماگران به این موضوع، دستمایه ساخت آثار سینمایی شده است. در فرصت کوتاه جنگ ۱۲ روزه تا جشنواره فیلم فجر، آثار بسیاری با این مضمون تولید شده که برخی از آنها به جشنواره چهل و چهارم راه یافته است. "گمار باز" به موضوع هک بانک سپه در ایام این جنگ پرداخته و داستان خود را بر پیگیری علل و عوامل این اتفاق متمرکز کرده است. فرید با بازی کوروش تهامی و مه‌دس برنام‌ه نویسی که یکی مظلومین این هک محور روایت قرار می‌گیرد درگیری و تقلیل او یا مأمور امنیتی درام را شکل می‌دهد. کل اثر بر سر اتهامات او در جریان هک بانک می‌گذرد و علی‌رغم اینکه از عنصر غافلگیری نیز در ادامه داستان استفاده می‌شود، اما در نهایت کل روایت فیلم نه تنها درامی نمی‌سازد، بلکه موضوع مهم هک بانک را با چند یازجویی کوتاه و پیش از افتاده به پایان می‌برد. شخصیت فرعی باران با بازی شبنم قربانی با اینکه نقش مهمی در این اتهامات دارد اما پرداخت درستی در شخصیت پرزازی و نوع ورود او به داستان فیلم صورت نمی‌گیرد. ضمن اینکه روند یازجویی و اعتراف

تراکم آسیب‌های اجتماعی
"خیابان جمهوری" به کارگردانی منوچهر هادی در دومین روز از جشنواره فیلم فجر در



شخصیت‌ها را افزایش می‌دهد که بعد از نمایشات انیمی از فیلم، حس مخاطب نسبت به معضلات درم تنیده کاراکترها بی اهمیت است. ضمن اینکه شخصیت اصلی نیز با توجه به موقعیت و جایگاه اجتماعی خود، هیچ کورسوی امیدی برای او پدید نمی‌آید.

پرداخت توضیحات او امکان هم‌تاز بنداری را از بین می‌برد. در کنار اینکه راه‌های بیرون رفت از مشکلاتش محدود به چند اتفاق ساده شده اما او گویی نمی‌خواهد آنها را امتحان کند. هادی در فیلم آخرش با غفلت بیش از حد مشکلات شخصیت، قصد دارد او را نمونه‌ای جامعه آسیب‌پذیری نشان دهد که بسترهای رشد و زیست سالم برای او ممکن نیست. علاقه به این تم، "خیابان جمهوری" را به فیلمی ملول‌تاز نمایش درد و رنج تبدیل می‌کند که در حد نمایش درد یاقی می‌ماند و فراتر از آن اتفاقی برای فیلم نمی‌افتد.

پردیس ملت به نمایش درآمد. فیلم مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی است. از فقر تا اعتیاد، سقط جنین و زنان سرپرست خانوار در کنار همدیگر جهانی خلق می‌کند که در تمام از کان خود دچار انسداد شده است. آیلار با بازی الناز ملک درگیر مشکلات بسیاری است اما همه راه‌های بیرون رفت از مشکلات در نهایت بن بست می‌شود. زنی که به تنهایی در تهران درگیر یافتن همسرش می‌شود و در کنار آن سبیل مشکلات دیگر را به شخصیتی متماصل تبدیل می‌کند که هیچ راهی برای یافتن حل مشکلاتش پیدا نمی‌کند. زنان در "خیابان جمهوری" قربانیانی هستند که امکان زیست سالم و مستقل برای آنها وجود ندارد. هر تلاش سالم و بی‌وقفه به بن بست می‌رسد. در کنار آنها مردانی هستند که درگیری توانمان فقر و اعتیاد آنها زمینه تیره روزی زنان را فراهم می‌کند. فیلمساز به حدی حجم مشکلات

سینماک چهارم

دختر دیوید لینچ فیلمنامه ساخته نشده پدرش را منتشر می‌کند



دختر دیوید لینچ فیلمنامه «شب ضبط نشده» پدرش را که هرگز ساخته نشده منتشر خواهد کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ورلد آف ریل، به درگذشت دیوید لینچ، اخبار متعددی درباره آثار ساخته نشده وی منتشر شد تا یادآوری شود که بخش عمده‌ای از آخرین دوران خلاقه او با پروژه‌های تحقیق نیافته تعریف می‌شود. آثاری که بسیاری از آنها توسط استودیوها رد شدند و نتولیکس هم در میان این راه‌نمان جای داشت. لینچ «شب ضبط نشده» را به نتولیکس ارائه کرده بود، که احتمالاً کمترین فاصله را تا ساخته شدن اثری از این فیلمساز فقید داشت. این پروژه مرموز ابتدا با شایعه بازی لوورا درن و نلومی واتس در آن همراه شد و موافقت نتولیکس را هم گرفته اما کووید توسعه آن را به طور نامحدود متوقف کرد.

برویقرص آثار پدرمان هستیم و آرزو داریم که این اثر به هر نحو ممکن به اشتراک گذاشته و تحلیل شود. می‌دانیم که کمبود وجود دارد و احساس می‌کنیم که مایه‌به‌بهترین شکل ممکن به یادگاری‌های پدر جامعه عمل بپوشانیم. از جمله معدود کسانی که با پروژه «شب ضبط نشده» شنایی دارند بنیتر مینگ فیلمبردار است که با لینچ در «توتین پیکس: بازگشت» همکاری کرد. دیمینگ در مصاحبه‌ی «فیلم‌استیج» اولین و از به شاید آخرین جزئیات «شب ضبط نشده» را ارائه کرد و گفت: قبل از کووید «شب ضبط نشده» را نوشته بود. من آن را خوانده بودم و با هم به جستجوی او کیشن رقتیم. بعدش کووید آمد و

به همین شکل بود سه جلسه طول کشید تا آن را بخوانم چون خیلی ججیم بود، اما قطعاً «توتین پیکس» نبود قطعاً یک معماری واقعاً جالب بود... وقتی از مینگ در مورد داستان سوال شد، محتاط بود اما فاش کرد که «یکی دیگر از آثار کلاسیک لس‌آنجلس» برای لینچ است، یک معماری اورجینال که فیلمساز و هالیوود قدیم را با هم ترکیب می‌کند، که احتمالاً به عنوان یک روایت گسترده و چندقسمتی مانند «توتین پیکس: بازگشت» در نظر گرفته شده است. سارینا سارلاند تهیه‌کننده قدیمی دیوید لینچ هم تأیید کرد که «شب ضبط‌نشده» قرار است دوباره برای نتولیکس ساخته شود و «بهترین کاری بود که لینچ تا به حال انجام داده است». اگرچه این سریال هرگز ساخته نشد اما بی‌شک یکی از پروژه‌های اسفندی رؤیایی در لس‌آنجلس مینگ در ادامه از «بزرگراه گمشده» «جاده مهلباند» و «امپراتوری درون» به عنوان جانشین‌های موضوعی «شب ضبط‌نشده» نام می‌برد و آن را «چهارمین فیلم در این خط تولید» خوانده است. با وجود مشکلات ساختاری، لینچ قصد داشت این پروژه را از راه دور کارگردانی کند اما متأسفانه هرگز این اتفاق نیفتاد. با رفتن لینچ، «شب ضبط‌نشده» به فهرست طولانی پروژه‌هایی پیوست که به آنچه می‌نوانست باشد، حتی در سکوت بی‌پرداخت.